

ارزیابی شاخصه‌های اخلاق حرفه‌ای

از منظر علامه طباطبائی در اساتید دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی از دیدگاه دانشجویان

moslemch2015@gmail.com

مسلم چرابین / عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد نیشابور

z.mmoghadam@gmail.com

زهرا مشکی‌باف مقدم / عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان و مدیر گروه علوم تربیتی پردیس شهید هاشمی‌نژاد مشهد

a.salavati74@gmail.com

عاطفه سلواتی / دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید هاشمی‌نژاد مشهد

Ftalaeib@gmail.com

فاطمه طلائی بيمرغی / دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید هاشمی‌نژاد مشهد

دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۵

چکیده

از مهم‌ترین متغیرهای موفقیت یک سازمان، اخلاق حرفه‌ای است. با توجه به اهمیت این موضوع در تربیت معلم، شاخصه‌های اخلاق حرفه‌ای را از دیدگاه علامه طباطبائی، بررسی نمودیم. جامعه آماری، دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی و نمونه آماری، دانشجویان ۱۱ رشته دبیری، مشاوره و علوم تربیتی پردیس شهید هاشمی‌نژاد مشهد، سال تحصیلی ۹۵-۹۶ می‌باشد. روش نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای، متناسب با حجم نمونه بود. تحقیق از نوع توصیفی به روش پیمایشی و ابزار پژوهش، پرسش‌نامه بومی‌سازی شده محقق ساخته، روایی پرسش‌نامه از طریق تحلیل محتوا و اعتبار آن از طریق آلفای کرونباخ تحلیل تجمیعی داده‌ها در نرم‌افزار spss محاسبه و نتایج تفسیری آن بیان شد. نتایج، در حوزه معرفتی اساتید، از لحاظ توجه به معنویات و امر خودسازی در حد بسیار مطلوب، در حوزه رفتاری، اکثر اساتید در دو مولفه نظم و انضباط و رازداری در حد بسیار مطلوب، در حوزه گفتاری اساتید از لحاظ مولفه اجتناب از به کارگیری کلمات سخیف و طنزهای ناشایست، در حد بسیار مطلوب و در حوزه ظاهری اساتید، از لحاظ هر دو مولفه لباس و پوشش و بهداشت شخصی در حد بسیار مطلوب ارزیابی گردیدند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، اخلاق حرفه‌ای معلم، علامه طباطبائی.

مقدمه

موضوع اخلاق تدریس، در میان مسلمانان از قرن سوم هجری مورد توجه قرار گرفت. محمدبن سحنون، نخستین کتاب را در این زمینه با عنوان *آداب المتعلمین* به نگارش در آورد. از آن پس نیز کتب و مقالات مختلفی در این باره نوشته شده است، اما حجم آنها در مقایسه با آثار لاتین، بخصوص در چند دهه اخیر بسیار اندک است (فرامرزق‌راملی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳).

در بین کتب اسلامی - شیعی در خصوص اخلاق تدریس، کتاب *منبه المرید فی ادب المفید والمستفید*، شهید ثانی به رغم گذشت چهار قرن جایگاه ویژه‌ای دارد (همو، ۱۳۸۸، ص ۵۲).

علامه طباطبائی، به طور مستقیم به اخلاق معلمی اشاره‌ای ندارد، اما در باب اخلاق سفارشات زیادی دارند. در بخش‌های عمده‌ای از *تفسیر المیزان*، علامه طباطبائی به اخلاق از موضع ظواهر دینی نگاه کرده است. ایشان در کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، اخلاق را از اعتبارات دست ساخته بشر می‌داند و در کتاب *نهایة الحکمه*، اخلاق را کیف نفسانی دانسته است (نصر اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۴۷).

از معدود تحقیقات انجام شده در موضوع اخلاق در این حوزه، می‌توان به بررسی وضعیت رعایت اخلاق آموزشی توسط اعضای هیئت علمی (آراسته و همکاران، ۱۳۸۹)، جایگاه اخلاق حرفه‌ای در تدریس (الهویسی و همکاران، ۱۳۹۰) و ضرورت توجه به مسائل اخلاقی (مطلبی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۰) و بررسی مؤلفه‌های اخلاقی تدریس (مورای و همکاران، ۱۹۹۶) اشاره کرد.

این پژوهش، درصدد پاسخ به این پرسش است که آیا استادان دانشگاه فرهنگیان، به‌عنوان پیشگامان تعلیم و تربیت و متولی آموزش و تربیت معلمان کشور، خود، مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای را دارا می‌باشند تا به دانشجو معلمان، آموزش دهند یا اینکه در این مورد دقت نظر بیشتری لازم است؟ آیا می‌توان از متون به جا مانده از استاد علامه طباطبائی و سیره ایشان، الگویی برای اخلاق حرفه‌ای معلم استخراج نمود؟

تعاریف نظری

اخلاق

«اخلاق» جمع «خَلَق» بر وزن عَقْل و «خُلُق» بر وزن اُفُق است. این واژه، در اصل به ریشه باز می‌گردد. خَلَق به معنی هیئت و شکل صورتی است که انسان با چشم می‌بیند و خُلُق به معنی قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۶۸). بنابراین، می‌توان گفت: «اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است». به گفته برخی دانشمندان، گاه به بعضی از اعمال و رفتاری که از خلیقات درونی انسان ناشی می‌شود، نیز اخلاق گفته می‌شود (اولی اخلاق صفاتی است و دومی اخلاق رفتاری) (شهبازی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۱).

علامه طباطبائی، صاحب *تفسیر المیزان* می‌فرماید:

علم اخلاق عبارت است از: فنی که پیرامون ملکات انسانی بحث می‌کند، ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست برای این هدف بحث می‌کند که فضائل را از ردائل جدا سازد؛ یعنی این علم می‌خواهد معلوم کند که کدام یک از ملکات نفسانی انسان خوب و نیک و مایه کمال و فضیلت اوست و چه ملکاتی بدون رذیله و مایه نقص اوست تا آدمی بعد از شناسایی آنها، خود را با فضائل آراسته سازد و از ردایل فاصله گیرد. پس غایت و هدف علم اخلاق شناخت فضیلت‌ها و چگونگی به کارگیری آنها در جهت تزکیه نفس و شناخت پلیدی‌ها به خاطر پاک کردن نفس از آنهاست، به همین جهت علم اخلاق را علم سلوک یا تذهیب اخلاق یا حکمت عملی نامیده‌اند (همان، ص ۳۴).

حرفه

فعالیت تولیدی و آبادگرانه، که به ازای مزد (نقدی یا جنسی) با میل و اراده و به نحو حرفه‌ای صورت می‌گیرد (فرامرز قراملکی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۲). چادویک، در مقاله «اخلاق حرفه‌ای» در *دایرةالمعارف فلسفی راتلج* می‌نویسد: واژه «حرفه» با معانی گوناگونی به کار می‌رود. حرفه در معنای وسیع کلمه صرفاً به معنای شغل شخص است، اما در معنایی محدودتر، به نوع خاصی از فعالیت اشاره می‌کند که: اولاً شخص، همراه با آن دارای موقعیتی خاص می‌شود و ثانیاً با اصول اخلاقی خاصی گره خورده است. به طور سنتی، حرفه با یک دانش و آگاهی وسیع (که میزان مهارت در آن، معین‌کننده درجه شخص در میان درجات مختلف حرفه است، لاقبل به طور جزئی) و یک وضع ایدئال خدمت مشخص می‌شود (انجمن کتابداران قم، ۱۳۸۶، ص ۱۹).

اخلاق حرفه‌ای

در فرهنگ علوم رفتاری، اخلاق حرفه‌ای، رشته‌ای از دانش اخلاق تعریف شده است که روابط شغلی را مورد مطالعه قرار می‌دهد (همان). با توجه به تعریف اخلاق و حرفه، اخلاق حرفه‌ای، حوزه‌ای تخصصی در دانش اخلاق است که مسئولیت‌های اخلاقی بنگاه‌ها و مشاغل و نیز تحلیل مسائل اخلاقی در کسب و کار را بیان می‌کند و در حل مشکلات اخلاقی در کسب و کار نقش عملیانی دارد (فرمهبینی فراهانی و اشرفی، ۱۳۹۳، ص ۶۷). اخلاق حرفه‌ای با بررسی تکالیف و مسائل اخلاقی در یک حرفه، فرد را، با کشف مجموعه‌ای از مسئولیت‌ها و رابطه‌ها، در راستای ایفای صحیح حرفه خویشتن هدایت می‌نمایند (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵، ص ۷۳).

حوزه‌های اخلاق حرفه‌ای اساتید

الف. حوزه شناختی - معرفتی

به فرموده امام صادق علیه السلام: «العاملُ عَلَى بصیرةٍ کَالسَّائِرِ عَلَى غَیْرِ الطَّرِيقِ لَا یَزِیدُهُ سُرْعَةُ السَّیْرَالِ بَعْداً» (امیدوار، ۱۳۸۶، ص ۴۳ به نقل از کلینی، ج ۱)؛ هر که از روی ناآگاهی و عدم بصیرت عملی را انجام دهد، به مثابه کسی است که در غیر راه مقصود در حال حرکت است. چنین شخصی هرچه سریع‌تر حرکت نماید، بیشتر از مقصد اصلی دور خواهد شد. از این رو، یک استاد باید اندیشه‌ها و باورهای خود را ارتقا دهد.

ب. حوزه رفتاری

حوزه رفتاری شامل مؤلفه‌هایی چون رعایت تواضع و فروتنی، انتقادپذیری، امانتداری، صداقت، عدالت و ...

می‌باشد که جز مهم‌ترین سجایای اخلاقی هستند، استادان باید به‌عنوان الگویی مناسب برای دانشجویان، دارای این مؤلفه‌ها باشند.

ج. حوزه گفتاری

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «رَبُّ كَلَامٍ أَنْفَذَ مِنْ سِيَاهٍ» (همان، ص ۲۰۹ به نقل از غررالحکم)؛ چه بسیار سخنانی که نافذتر از تیرهاست. به دلیل اهمیت کلام و امور مربوط به آن و از آنجا که سلاح یک معلم، پس از عمل و رفتار، گفتار و فحوای کلام اوست، به امور در زمینه گفتار باید توجه گردد.

د. حوزه ظاهری

از آنجا که تمامی حرکات و سکنات یک معلم، بخشی مهم و تأثیرگذار در امر تعلیم و تربیت محسوب می‌شود و به منزله درسی عملی برای فراگیران است. از این رو، رعایت حسن ظاهر، امری بسیار ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید (امیدوار، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

تعریف عملیاتی

در این تحقیق، به مجموعه‌ای از ویژگی‌های استادان دانشگاه فرهنگیان در رابطه با حرفه خود، شامل موقعیت‌های عمل و عکس‌العمل، که بر اساس ۴ حوزه شناختی - معرفتی، حوزه رفتاری، حوزه گفتاری و حوزه ظاهری در پرسش‌نامه محقق ساخته، مورد سنجش قرار گرفته است، اخلاق حرفه‌ای می‌گوییم.

روش پژوهش

داده‌های پژوهشی این مقاله، از طریق مطالعه اسنادی و انجام پژوهش پیمایشی، با هدف ارزیابی شاخصه‌های اخلاق حرفه‌ای استادان دانشگاه فرهنگیان، از منظر علامه طباطبائی جمع‌آوری شد. برای پر کردن پرسش‌نامه، ۵۰۰ پرسش‌نامه بین دانشجو معلمان پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد توزیع گردید. ۴۳۰ پرسش‌نامه جمع‌آوری شد، ۳۵ پرسش‌نامه مخدوش یا ناتمام برگشت و ۲۵ پرسش‌نامه برگشت.

جامعه آماری در این مقاله، دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی هستند که با توجه به شرایط اجرای تحقیق، جامعه نمونه دانشجویان ۱۱ رشته دبیری، مشاوره و علوم تربیتی پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد می‌باشد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این مقاله، پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته است. برای تهیه این پرسش‌نامه، از پرسش‌نامه‌های معتبر «شناسایی مؤلفه‌ها و استانداردهای اخلاق حرفه‌ای تدریس، برای استادان معارف اسلامی و ارزیابی میزان رضایت‌مندی دانشجویان، از آموزش توسط استادان در دانشگاه آزاد کرج استفاده شد. سپس، بر اساس محتوای این مقاله بومی‌سازی شد. این پرسش‌نامه، حاوی ۴۹ سؤال، دربرگیرنده مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای

می‌باشد. تلاش شد، نظرات علامه طباطبائی با توجه به کلام و سیره ایشان، در پرسش‌نامه گنجانده شود. روایی پرسش‌نامه، توسط دو استاد علوم تربیتی و یک استاد اخلاق تأیید گردید. پایایی تحقیق، از روش آلفای کرونباخ محاسبه و عدد ۰/۹۶۴ به دست آمد که بیانگر قابل قبول بودن پایایی پرسش‌نامه است. تحلیل تجمعی داده‌ها در نرم‌افزار SPSS محاسبه و نتایج تفسیری آن بیان شد.

در این مقاله، با بررسی کلام و سیره علامه طباطبائی، اخلاق حرفه‌ای در چهار حوزه تقسیم‌بندی شد:

الف. حوزه شناختی- معرفتی: علامه طباطبائی، با پرهیز از آموزش مستقیم اخلاق نظری، بیشتر به آموزش مفاهیم اخلاقی در عمل به فراگیران می‌پرداختند. لذا مؤلفه‌های زیر، برگرفته از رفتار و اعمال علامه، که به نوعی آموزش اخلاق می‌باشد. نیت، توجه به امر خودسازی، آموزش حلم و شکیبایی و صبر و استقامت، پرهیز از تعجیل در قضاوت‌ها، برداشت‌ها و اقدامات، لزوم شناخت مخاطبان، آشنایی با مقتضیات زمان و مکان، جلب محبت متعلم، خلاقیت، آموزش خوب شنیدن، لزوم تحقق و تعلم برای استاد، توجه به معنویات، آموزش رعایت اصل تدریج در خواسته‌ها، توجه به فضای کلاس و تنوع و تفریح، دانش ارزشیابی و نحوه کاربرد آن.

ب. حوزه رفتاری: شامل مؤلفه‌های رعایت تواضع و فروتنی، انتقادپذیری، امانتداری، وفای به عهد، صداقت، نظم و انضباط، عدالت، روحیه مشارکت و همکاری، برقراری ارتباط مناسب و مؤثر، تنبیه و تشویق به جا.

ج. حوزه گفتاری: شامل مؤلفه‌های رعایت احترام در به کارگیری تعابیر و نرمش کلام، اجتناب از به کارگیری کلمات ناشایست و طنزهای ناشایست، دارا بودن فن بیان، اجتناب از سرزنش، استهزا و تحقیر، پرهیز از خودستایی، خودپسندی و حب ثنا.

د. حوزه ظاهری: شامل مؤلفه‌های لباس و پوشش و بهداشت شخصی.

هر مؤلفه در ذیل به تفکیک بیان می‌گردد:

الف. مؤلفه‌های حوزه شناختی - معرفتی

نیت

اولین نکته قابل توجه در حوزه معرفتی، مسئله‌ای فراگیر نسبت به تمامی انسان‌ها است و آن عبارت است از: «اخلاص در نیت»، که به دلایل متعددی چون ریا و... قابل سنجش نیست.

علامه طباطبائی، نیت را در فعل اخلاقی ملاک می‌داند و حسن فاعلی را بر حسن فعلی ترجیح می‌دهد. ایشان، تمام عالم را حول محور توحید می‌داند و فعلی را اخلاقی می‌داند که با نیت رسیدن به این غایت انجام پذیرد (ر.ک: شعبانی، ۱۳۸۷، ص ۳).

توجه به امر خودسازی

بر همه مؤمنان عموماً بر معلم لازم است که روح و نفس خود را از صفات رذیله و زشت چون تکبر و عجب، ریا و

حسد، دروغ و غیبت، حرص و طمع و... تخلیه و پاکسازی نمایند و از ارتکاب محرمات و در صورت امکان، از مکروهات نیز خودداری کنند و روح را با فضائل اخلاقی اعتماد به خدا، عفت نفس، تواضع و حسن خلق و... تخلیه و آراسته گرداند (نوری و وفا، ۱۳۷۰، ص ۱۳).

طبق بیانات استاد حسن زاده آملی، یکی از کلمات قصار آن جناب (علامه طباطبائی) این بود که ما کاری مهم‌تر از خودسازی نداریم (امید، ۱۳۸۰، ص ۲۱۸).

حلم و شکیبایی و صبر و استقامت

معلم به‌عنوان هدایت‌گر نسل جوان، باید بداند وظیفه‌ای که بر عهده گرفته، وظیفه سخت و پر مشقت است. لذا برای نیل به موفقیت باید شکیبایی پیشه کند. علامه طباطبائی می‌فرماید: «صبر از بزرگ‌ترین ملکات و حالاتی است که قرآن کریم از آن ستایش کرده است» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۴۴).

پرهیز از تعجیل در قضاوت‌ها، برداشت‌ها و اقدامات

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «لا تعجلوا الامر قبل بلوغه فتندموا» (امیدوار، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰ به نقل از تحف العقول)؛ در کارها قبل از آن که وقت آنها برسد، عجله نکنید؛ زیرا موجب پشیمانی است.

منظور از «پرهیز از تعجیل در قضاوت‌ها و برداشت‌ها»، تنها «تعجیل در برداشت» از سخنان متعلمین نیست، بلکه شامل هرگونه رفتار، گفتار، وضعیت ظاهر او، مانند انواع خاص پوشش، مدل‌های مختلف مو، نحوه حجاب و... می‌شود. این نکته قابل تأمل است که استاد حاذق، نباید در قضاوت‌ها و انواع عکس‌العمل‌های خویش، از «پیش‌فرض‌ها»، که چه‌بسا از نگرشی غلط ناشی شده، بهره‌گیر (امیدوار، ۱۳۸۶، ص ۴۷ و ۴۸).

لزوم شناخت مخاطبین

علامه طباطبائی، به مقتضای کلام «کلم الناس علی قدر عقولهم»، مراتب استعداد افراد را برای درک معارف و مطالب علمی رعایت می‌فرمود و برای هر کس، به مقدار فهم او سخن می‌گفت. گاهی یک مطلب را با عبارات مختلف برای اشخاص متفاوت بیان می‌کرد (جمعی از دانشمندان، ۱۳۶۱، ص ۱۲۵). همچنین، «همواره سعی داشت به هر شاگردی و در هر جمعی، متناسب با درک و استعداد و کشش آنها مطلب القا کند. از مسائلی که امکان داشت مطرح کردن آنها ایجاد اختلاف و تفرقه کند و یا احیاناً موجب انحراف فکر شود، جز با خواص خویش با اشخاص دیگر سخن نمی‌گفت» (امید، ۱۳۸۰، ص ۲۱۸).

آشنایی با مقتضیات زمان و مکان

محیط پیرامون هر شخص در او اثر می‌گذارد. لذا معلم با آگاهی دقیق از شرایط موجود، می‌تواند در امر تعلیم و تربیت موفق‌تر عمل نماید. علامه، خود درباره درک نیازها می‌گوید: «هنگامی که قم آمدم مطالعه‌ای در برنامه درسی

حوزه کردم و آن را با نیازهای جامعه اسلامی سنجیدم، کمبودهایی در آن یافتم و وظیفه خود را تلاش برای رفع آنها دانستم» (جمعی از دانشمندان، ۱۳۶۱، ص ۱۴۱).

جلب محبت متعلم

در امر یادگیری، هر دریافت ذهنی همواره مبتنی بر دو پایه درک عقلی و احساس عاطفی است. از این رو، اساس یادگیری بر محور احساس خوشایندی و ناخوشایندی استوار است. هر آموزشی، همراه با احساسی خوشایند پایدار، و اگر با آن همراه نباشد، ناپایدار خواهد بود (فرهادیان، ۱۳۸۵، ص ۳۱).

علامه طباطبائی، فوق العاده عطف و مهربان بود؛ تحمل رنجش هیچ کس را نداشت. روابط عاطفی‌ای که میان او و شاگردانش، بخصوص شهید مطهری حاصل بود، شگفت‌انگیز است (پگاه حوزه، ۱۳۸۱، ش ۳، ص ۱۴).

خلاصیت

در آموزش خلاقانه، معلم از روش‌های نوین برای ارائه مطالب استفاده می‌کند و فراگیرنده خود، نقش فعال ایفا می‌نماید.

دارا بودن دانش فنی تدریس و کاربرد آن در کلاس درس عمده‌ترین وظیفه یک معلم تدریس است. آنچه که در این باب مهم و قابل تأمل است، روش تدریس است؛ یعنی استاد چگونه و از چه راه‌هایی معلومات و نظریات خود را به سرعت و آسانی و به گونه‌ای که برای همگان قابل درک باشد، تفهیم نماید (نوری و وفا، ۱۳۷۰، ص ۹۷).

علامه امینی می‌فرماید: «گاهی پیش می‌آید که علامه طباطبائی، مطلب بسیار عالی را آنچنان ساده برای طلبه‌ها بیان می‌کردند که طلبه‌ها می‌پنداشتند چیزی نیست، در صورتی که مطلب، ابتکار خود ایشان بود» (طاهری خسروشاهی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۱).

هنر خوب شنیدن

«حسن استماع»، به معنای خوب شنیدن سخنان فراگیران و تأمل در زوایای پنهان کلام آنها است. این امر، علاوه بر مصون نگه داشتن گوینده از بسیاری از آفات، موجب افزایش اعتماد به نفس متعلم، تقویت روحیه نقادی وی و نیز موجب ایجاد شخصیت در وی می‌گردد (امیدوار، ۱۳۸۶، ص ۹۴). «علامه طباطبائی، بسیار مؤدب بود و به سخنان دیگران خوب گوش می‌داد. سخن کسی را قطع نمی‌کرد و اگر سخن حقی را می‌شنید، تصدیق می‌کرد» (طهرانی، ۱۳۶۰، ص ۵۶).

لزوم تحقق و تعلم برای استاد

معلم باید علاوه بر آموزش فراگیران، خود نیز در جهت کسب علم و دانش گام بردارد (رشیدپور، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸). یکی از ویژگی‌های علامه طباطبائی، توجه به تحقیقات و یافته‌های سایر دانشمندان در دانش‌های گوناگون روز بود.

ایشان در عین تسلط بر فلسفه و عرفان و متون اسلامی، هرگز خود را در این محدوده محصور نساخت، بلکه مرزهای معرفت و تحقیق را تا منابع غیراسلامی نیز گسترش داد. وی معتقد بود: «باید جهان را شناخت و نباید خود را در برج‌های خویش محصور و منزوی کرد» (رضایی و پیشوایی، ۱۳۸۳، ص ۸۳).

توجه به معنویات

یکی از نیازهای جدی هر شخص، «توجه به امور معنوی و فرانبوی» است. معنویات غذای روح انسان‌هاست. وظیفه هر معلم دلسوزی، این است که نخست خود در این زمینه گام‌های جدی بردارد. سپس، متعلمان را در این جهت و متناسب با رشته‌های تدریسی هدایت کند و زمینه‌های ارتباط معنوی خود و متعلم را با خالق مهربان و هادیان معصوم خویش فراهم آورد (امیدوار، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳ و ۱۰۴).

علامه طباطبائی، حتی در حل مسائل علمی و فلسفی و تفسیری، از معنویت ارواح معصومان علیهم‌السلام کمک می‌گرفت و گاهی برای حل مسائل تفسیری چندین ساعت، حتی یک شبانه روز به درون گرای می‌پرداخت و خدا و پیامبر و ائمه علیهم‌السلام استمداد می‌طلبید (جوان شیر، ۱۳۷۵، ص ۳۳۶).

رعایت اصل تدریج در خواستها

معلم نباید انتظارات بالا و خارج از توان از دانش‌آموز داشته باشد؛ زیرا این کار موجب تضعیف ارتباط معلم و شاگرد می‌گردد. همچنین باید مطالب درسی را به ترتیب، از مرحله ساده به مشکل شروع کند (فرهادیان، ۱۳۸۵، ص ۲۸ و ۲۹).

توجه به فضای کلاس و تنوع و تفریح در کلاس

معلم همواره باید تلاش کند که شاگردانش خسته و کسل نشوند و با سخنان متنوع و نشاط‌آور، آنان را نسبت به درس خواندن مشتاق و علاقه‌مند سازد (نوری و وفا، ۱۳۷۰، ص ۱۰۳). حضرت علی علیه‌السلام این مسئله را بدین گونه بیان می‌فرمایند: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبُ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَأَبْتَعُوا لَهَا ظُرُوفَ الْحِكْمِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ح ۸۹)؛ این دل‌ها در اثر یکنواخت بودن مطالب خسته و کسل می‌شود همانند بدن‌ها (که از خوردن غذای یکنواخت و از انجام کار یک رنگ خسته می‌گردند)، پس برای رفع خستگی، قلب‌های خود را با لطیفه‌های حکمت‌آمیز و جالب تنوع بخشید.

دانش ارزشیابی و نحوه کاربرد آن

معلم و فراگیر باید همواره از فرایند یادگیری آگاهی داشته باشند؛ چون یادگیری یک جریان متصل است؛ زمانی ادامه خواهد یافت که مطمئن شویم جریان یادگیری، در بین راه متوقف نشده باشد و همواره، همه در حال یادگیری باشند و از دانسته‌های قبلی چیزی جا نیفتاده باشد. در عین حال، روشن شود که متعلمین تا چه میزان یاد گرفته‌اند و با طرح چند سؤال روند نسبی یادگیری را کنترل کنیم (فرهادیان، ۱۳۸۵، ص ۳۷).

ب. مؤلفه‌های حوزه رفتاری

رعایت تواضع و فروتنی

طبق گفته علامه طباطبائی، معنی تواضع و فروتنی، نه این است که انسان خود را در انظار، خوار و سبک کند و به انسانیت خود لطمه زند، بلکه مقصود این است که مزایا و افتخارات خود را به رخ مردم نکشد و مزایای گزاف دیگری به خود ننهد و مردم را سبک و ناچیز نشمارد (طباطبائی، ۱۳۸۲، ص ۹۸).

یکی از شاگردان علامه طباطبائی، در زمینه تواضع علمی ایشان می‌فرماید:

در طول سی سال که افتخار درک محضر ایشان را داشتیم، هرگز کلمه «من» از او نشنیدیم، در عوض لفظ «نمی‌دانم» را بارها در پاسخ سؤالات شنیدیم، همان عبارتی که افراد کم‌مایه از گفتن آن عار دارند، ولی این دریای یرتلاطم علم و حکمت از فرط تواضع و فروتنی به آسانی می‌گفت و جالب اینکه به دنبال آن پاسخ، سؤال را به صورت احتمال و یا با عبارت «به نظر می‌رسد» بیان می‌کرد (جمعی از دانشمندان، ۱۳۶۱، ص ۳۷).

انتقادپذیری

جلسه درسی علامه طباطبائی، به گونه‌ای بود که شاگردان شهادت اشکال کردن بر او را داشتند. اگر شاگردی به درس ایشان انتقادی داشت، با مهربانی و ملاطفت سخن او را گوش می‌داد و با کمال احترام، وی را متقاعد می‌نمود (رضایی و پیشوایی، ۱۳۸۳، ص ۸۵).

امانتداری

نمرات، گزارشات حضور و غیاب، صحبت‌ها و ارتباطات فردی دانشجویان، به‌عنوان مطالب محرمانه تلقی شده و تنها با رضایت دانشجو، یا برای امور قانونی دانشگاهی قابل ارائه به دیگری هستند (ایمانی‌پور، ۱۳۹۱، ص ۲۹). اگر برای آموزه‌ای، پشتوانه علمی، کم و نادر است، این محدودیت باید به روشنی به اطلاع فراگیران برسد. اگر واقعیت و مطلب و موضوعی، تجربی، حدسی یا بعکس روزآمد است، باید این صفات، عیناً به دانشجو و متعلم، منتقل و عنوان شود (فرهادیان، ۱۳۸۶، ص ۳۲۲). استاد/مجد نقل می‌کنند که روزی از ایشان خواستیم که «بحث انسداد» از کتاب *کفایه الاصول* را برای ما تدریس کنند. فرمود: «من تدریس نمی‌کنم چون به نظر من انسداد درست نیست». ما اصرار کردیم که بگویید. فرمود: «من برای خدا در روز قیامت برای این کار جواب حاضر نکرده‌ام. اگر روز قیامت بگویند: چرا عمر خودت و طلاب را تلف کردی؟ من جواب ندارم. این درس را تدریس نمی‌کنم» (امید، ۱۳۸۰، ص ۲۲۰).

وفای به عهد

علامه طباطبائی، در ذیل آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود» (مائده: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به پیمان خود وفا کنید، به «وفای به عهد» در قرآن کریم اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد که لحن آیات دلالت می‌کند بر اینکه خوبی و حسن وفای به عهد و زشتی و قبح عهدشکنی، از فطریات بشر است و واقعاً هم همین است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۱۴).

صداقت

یکی از فضایل اخلاقی، که در قوام و پایداری یک حرفه نقش دارد، صداقت در گفتار و عمل است. امام علی (ع) در خطبه ۱۰۸ می‌فرماید: «هر طلایه‌داری باید به پیروان خود راست بگوید». صداقت یکی از ارزش‌های اساسی و محوری در رفتار و اخلاق حرفه‌ای است و موجب اعتماد مردم به هم می‌شود (فرمehنی فراهانی و اشرفی، ۱۳۹۳، ص ۷۸). «فرزند علامه صداقت و درستی را از ویژگی‌های زندگی علامه بر شمرده است» (شفقنا، ۱۳۹۴).

نظم و انضباط

یکی از ملاک‌های شایستگی معلم، توانایی او در اداره کلاس، حفظ نظم و انضباط در میان شاگردان و هدایت یادگیری آنان می‌باشد (سیف، ۱۳۹۳، ص ۸۶). یکی از شاگردان علامه طباطبائی درباره نظم استادشان می‌گوید: علامه طباطبائی بسیار منظم بود. غالباً قبل از شاگردان در کلاس درس حاضر می‌شد. دقیقه‌ای تخلف نمی‌کردند و تا دقیقه آخر هم درس می‌دادند و این برنامه دائمی ایشان بود. در برف و سرما، در طول ده و دوازده سال یادم نمی‌آید که ایشان یک دفعه هم درس را تعطیل کند. اتفاق می‌افتاد که ساعت‌ها مطالعه و فکر می‌کرد و یا می‌نوشت. نظم و پشتکار زیادی داشت (رضایی و پیشوایی، ۱۳۸۳، ص ۸۶).

عدالت

معلم نباید در اظهار محبت، توجه و التفات به شاگردان، هنگامی که از لحاظ سن، فضیلت و دینداری با هم برابر باشند، تبعیض و تفاوتی قائل شود؛ چرا که تبعیض و عدم رعایت مساوات در محبت و توجه به آنها، موجب ناراحتی روانی و دل‌زدگی آنها از یکدیگر می‌گردد (ایمانی‌پور، ۱۳۹۱، ص ۳۰). «هر کس، در هر لباس و هر سن، خدمت علامه طباطبائی می‌رسید، می‌توانست از محضرش استفاده کند. وی غیرطالاب را نیز از کسب فیض محروم نمی‌نمود» (جمعی از دانشمندان، ۱۳۶۱، ص ۱۲۲).

روحیه مشارکت و همکاری

شاگرد باید فعال باشد، و احساس کند که خود در امر یادگیری سهیم است تا ارتباط برقرار کند. احمدی در خاطرات پیرامون علامه طباطبائی می‌گویند:

در برخورد با شاگرد، سبک و شیوه خاصی داشتند و اصلاً تحکم فکر در کار نبود. اگر مسئله‌ای مطرح می‌شد، ایشان نظر خود را می‌گفتند و بعد می‌فرمودند: این چیزی است که به نظرمان رسیده است شما خودتان فکر و بررسی کنید و ببینید تا چه اندازه مورد قبول است. بدین ترتیب، به شاگرد میدان تفکر می‌داد (امید، ۱۳۸۰، ص ۲۱۸).

برقراری ارتباط مناسب و مؤثر

طبق سخن علامه طباطبائی آدمی باید با مردم به گونه‌ای برخورد کند که موجب محبوبیت گردد و روز به روز، بر وزن اجتماعی و دوستان وی افزوده شود؛ زیرا اگر مردم در برخورد با کسی، سنگینی یا تلخی درک کنند، در دل‌هایشان نفرت و دل‌تنگی ایجاد خواهد شد. سرانجام، روزی فرا خواهد رسید که همه از او گریزان می‌شوند و چنین

کسی، منفور و مغبوض اجتماع خواهد شد (طباطبائی، ۱۳۸۲، ص ۹۷). «علامه بسیار با عاطفه و مهربان بود. با شاگردان مخصوصش با مهربانی و عطف و بر خورد می‌کرد و انس و الفت می‌گرفت و از احوال آنها که به شهرستان‌ها منتقل شده بودند، جویا می‌شد» (امید، ۱۳۸۰، ص ۲۲۰).

تشویق و تنبیه بجا

تشویق و تنبیه، که اصل قرآنی است و «بشارت» و «انذار»، مفاهیمی هستند که اشاره به اهمیت این ابزار در هدایت افراد دارند. مؤثرترین نوع تشویق یک عمل، تفهیم فایده آن عمل است؛ زیرا انگیزه‌های درونی انسان را به سوی انجام آن عمل سوق می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰).

هنگامی که فراگیر، پیش‌تر از دانش و آگاهی کافی درباره مسئله‌ای برخوردار بوده، اما به دلیل وجود مانع یا عارضه‌ای دچار غفلت شده باشد. در این صورت، استاد و مربی می‌کوشد برای غفلت‌زدایی از فراگیر، شیوه‌های تنبیهی را به کار بندد. غفلت‌زدایی از جمله وظیفه‌های سنگین استادان و مربیان است؛ زیرا تا غفلتی در کار باشد، آموزش و تربیتی حاصل نخواهد شد (رهنمائی، ۱۳۹۰، ص ۳۰۴).

ج. مؤلفه‌های حوزه گفتاری

رعایت احترام در به کارگیری تعابیر و نرمش کلام

طبق سخن علامه طباطبائی:

معنی احترام به مردم این نیست که مردم را به حدی احترام کند که به تملق و چاپلوسی بکشد، بلکه باید هر کسی را به اندازه مزایای دینی و اجتماعی ارزش دهد؛ به بزرگان به اندازه بزرگیشان احترام نماید و دیگران را نیز به رعایت انسانیت آنها اکرام کند و باز معنی احترام و بزرگداشت مردم ته این است که هر کار ناشایسته‌ای از هر که دید، لب فرو بندد و بگذرد (طباطبائی، ۱۳۸۲، ص ۹۸).

معلم باید با کرامت نفس، با دانش‌آموزان برخورد نموده، به آنان شخصیت دهد و برایشان اهمیت قائل شود و از صمیم قلب برای شخصیت دانش‌آموز احترام و ارزش قائل باشد (فرهادیان، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

اجتناب از به کارگیری کلمات سخیف و طنزهای ناشایست

معلم نباید القاب زشت و زننده به دانشجویان بدهد؛ چرا که این امر موجب تضعیف ارتباط استاد با شاگرد می‌شود (همان، ص ۲۷). علامه طباطبائی در موقع تدریس و قبل و بعد آن، همانند خود طلاب و شاگردانش بود و هیچ وقت دیده نشد که در برابر سؤال کسی، هر چند بی‌ربط باشد، اخم کند یا به اصطلاح وی را «خیط» نماید؛ بلکه همراه با لبخندی ملیح پاسخ مناسب را بیان می‌کرد (شعبانی، ۱۳۹۳، ص ۳۲).

فن بیان

معلم حاذق و خبیر، باید سخنانش را به زبانی ساده و همه فهم مطرح کند و با استدلال‌های روان و منطقی،

تمامی فراگیران را به سوی حق هدایت کند. بیشترین تأثیرات را می‌توان در مخاطب، از طریق به کارگیری مثال‌ها و حکمت‌های حاصل از آنها و داستان‌ها و غیره برجا گذاشت؛ آثاری عمیق، باقی و پایدار، شیرین و لذت‌بخش (امیدوار، ۱۳۸۶، ص ۶۷).

علامه امینی، در خاطرات خود پیرامون علامه طباطبائی می‌فرماید: «گاهی پیش می‌آمد که مطلب بسیار عالی را آنچنان ساده برای طلبه‌ها بیان می‌کردند که طلبه‌ها می‌پنداشتند چیزی نیست در صورتی که مطلب، ابتکار خود ایشان بود. در این موارد، علامه طباطبائی اصلاً ابراز نمی‌کردند» (طاهری خسروشاهی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۱).

اجتناب از سرزنش، استهزا و تحقیر

احمدی، در مورد علامه طباطبائی می‌فرماید: «از اشتباهات علمی اشخاص، فراوان می‌گذشت و در تصحیح و نقد آنها همواره ادب علمی را حفظ می‌کرد» (امید، ۱۳۸۰، ص ۲۱۶). «حتی اگر می‌خواست نظر فردی را رد کند و یا مورد انتقاد قرار دهد، از عبارات ملامت‌گونه و سرزنش‌کننده استفاده نمی‌کرد» (شعبانی، ۱۳۹۳، ص ۳۳).

پرهیز از خودستایی، خودپسندی و حب ثنا

یکی از شاگردان علامه طباطبائی می‌گوید: «از جمله درس‌هایی که من از این مرد بزرگ گرفتم، این بود که در همه لحظات، مراقب خویش بود و کنترل خود را به دست داشت. خدا شاهد و گواه است که در این مدت از ایشان، حتی یک بار غیبت کسی و یا کلمه‌ای تعریف و تمجید از خودشان نشنیدم» (رضایی و پیشوایی، ۱۳۸۴، ص ۸۷).

د. مؤلفه‌های حوزه‌ی ظاهری

لباس و پوشش

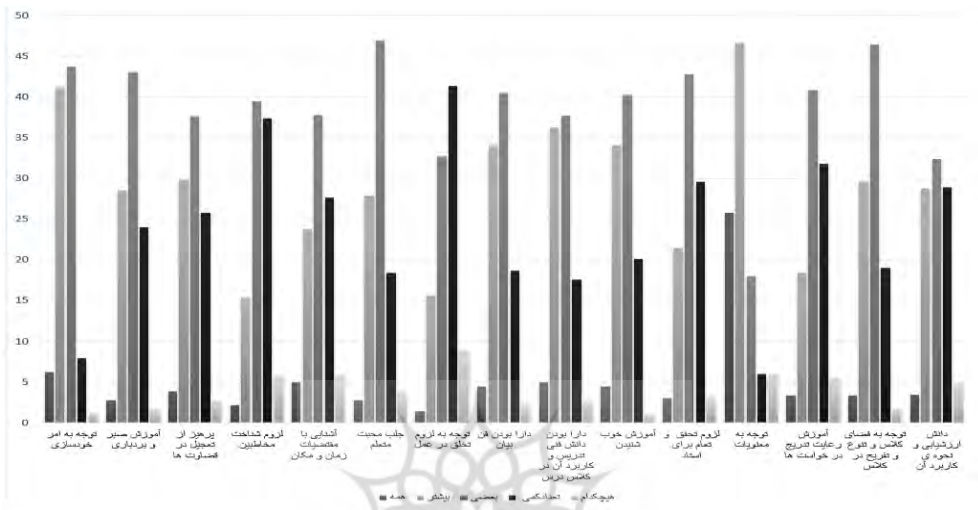
موضوع پوشش، هرچند به ظاهر ساده به نظر می‌آید، اما در واقع چنین نیست. برخی استادان می‌پندارند که باید تنها به لحاظ علمی و اخلاقی، آراسته و توانمند باشند. توجه به ظواهر، از جمله رعایت شأن معلمی در پوشش و پیرایش، اهمیت چندانی ندارد. این پندار مسلماً اشتباه است. تجربه نشان می‌دهد که فراگیران درباره‌ی پوشش استادان خود دقت و موشکافی خاص دارند و اگر استادی ظاهری ژولیده و نامرتب داشته باشد، از او تأثیر چندانی نمی‌پذیرند (شیرزاد، ۱۳۹۱، ص ۳۸).

بهداشت شخصی

پاکیزگی، یکی از مهم‌ترین اصول بهداشت است. در آیین مقدس اسلام، اهمیت زیادی به این اصل داده شده است. پیغمبر اکرم ﷺ فرموده است: «النظافة من الایمان». اسلام، علاوه بر اینکه به طور عموم به نظافت و پاکیزگی امر می‌کند، به طور خصوصی نیز به هر یک از نظافت‌ها توصیه می‌نماید. مانند چیدن ناخن‌های دست و پا، ستوردن موهای زاید سر و بدن، شانه زدن مو، روزی چندبار مسواک زدن و... (طباطبائی، ۱۳۸۲، ص ۸۴).

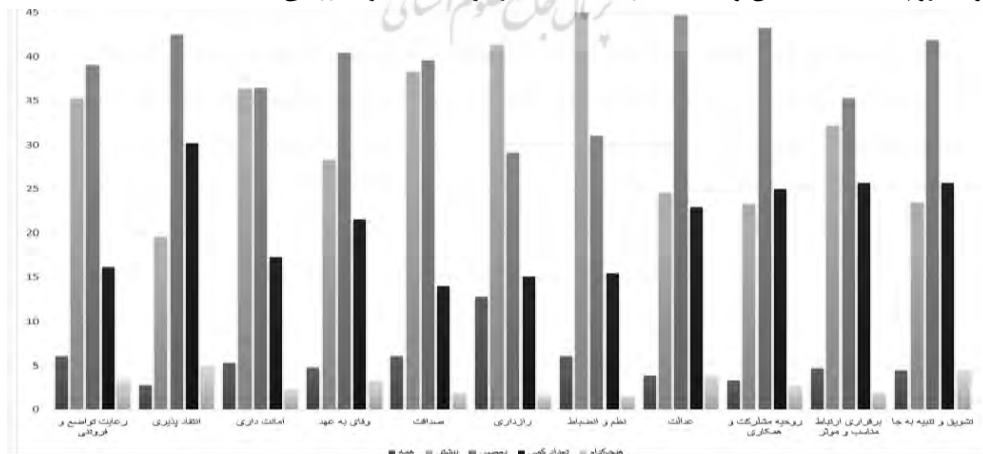
پس از تعیین شاخصه‌های اخلاق حرفه‌ای معلم در کلام و سیره علامه، پرسش‌نامه‌ای با ۴۹ سؤال طراحی شد و بین دانشجویان جامعه نمونه توزیع گردید. نتایج به دست آمده برای ارزیابی اساتید مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش



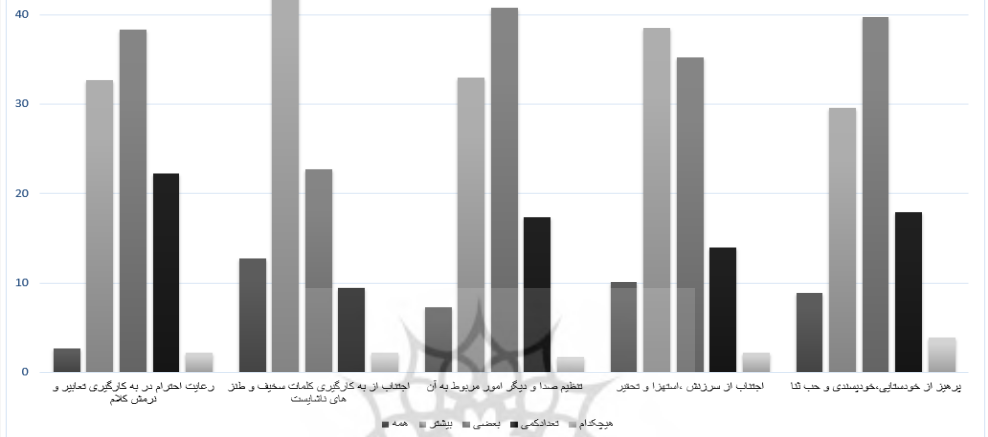
نمودار ۱. مقایسه مؤلفه‌های حوزه معرفت‌شناختی

با توجه به نمودار ۱، در حوزه معرفت‌شناختی اساتدان از لحاظ توجه به معنویات و توجه به امر خودسازی در حد بسیار مطلوب ارزیابی شدند. مؤلفه‌های هنر خوب شنیدن، توجه به فضای کلاس و دارا بودن دانش فنی تدریس، در حد مطلوب و مؤلفه‌های حلم و شکیبایی، جلب محبت معلم، لزوم تحقق و تعلم، اصل تدریس در خواست‌ها، پرهیز از تعجیل در قضاوت‌ها، توجه به مقتضیات زمان و مکان و دانش ارزشیابی در حد نسبتاً مطلوب ارزیابی گردید. اما دو مؤلفه لزوم شناخت مخاطبان و خلاقیت در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها نامطلوب ارزیابی شد.



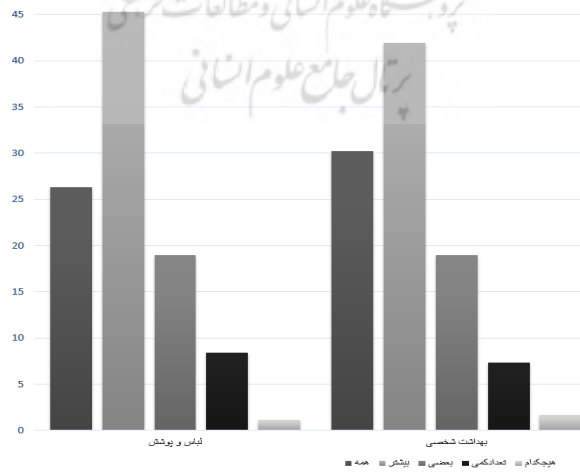
نمودار ۲. مقایسه مؤلفه‌های حوزه رفتاری

با توجه به نمودار ۲، در حوزه رفتاری اکثر استادان در دو مؤلفه نظم و انضباط و امانتداری در حد بسیار مطلوب ارزیابی شدند. مؤلفه‌های برقراری ارتباط مناسب و مؤثر، صداقت، وفای به عهد و رعایت تواضع و فروتنی در حد مطلوب و تشویق و تنبیه بجا، روحیه مشارکت و همکاری و عدالت، در حد نسبتاً مطلوب ارزیابی گردید. اما مؤلفه انتقادپذیری در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها نامطلوب ارزیابی شد.



نمودار ۳. مقایسه مؤلفه‌های حوزه گفتاری

با توجه به نمودار ۳، در حوزه گفتاری استادان از لحاظ مؤلفه اجتناب از به کارگیری کلمات سخیف و طنزهای ناشایست، در حد بسیار مطلوب ارزیابی شدند. مؤلفه‌های پرهیز از خودستایی، خودپسندی و حب ثنا، اجتناب از سرزنش، استهزا و تحقیر، رعایت احترام در به کارگیری تعابیر و نمش کلام و فن بیان در حد مطلوب ارزیابی گردید.



نمودار ۴. مقایسه مؤلفه‌های حوزه ظاهری

با توجه به نمودار ۴، در حوزه‌ی ظاهری استادان از لحاظ هر دو مؤلفه‌ی لباس و پوشش و بهداشت، شخصی در حد بسیار مطلوب ارزیابی گردیدند.

محدودیت‌های تحقیق

اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. بررسی همه‌ی مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای معلمی، با توجه به زمان محدود، ممکن نیست. همچنین، می‌خواستیم پرسش‌نامه مقاله در همه‌ی پردیس‌های استان خراسان رضوی اجرا شود، اما در پردیس شهید بهشتی، که لایه‌ی استانی محسوب می‌شود، با مخالفت افراد مسئول مواجه شد و به ناچار، فقط در پردیس دختران اجرا گردید. ۳۵ پرسش‌نامه مخدوش یا ناتمام برگشت و ۲۵ پرسش‌نامه برگشت.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت، در حوزه‌ی معرفت‌شناختی استادان از لحاظ توجه به معنویات و توجه به امر خودسازی، در حد بسیار مطلوب ارزیابی شدند. در حوزه‌ی رفتاری اکثر استادان در دو مؤلفه‌ی نظم و انضباط و امانتداری، در حد بسیار مطلوب ارزیابی شدند. همچنین، در حوزه‌ی گفتاری استادان از لحاظ مؤلفه‌ی اجتناب، از به کارگیری کلمات سخیف و طنزهای ناشایست، در حد بسیار مطلوب ارزیابی شدند. در حوزه‌ی ظاهری آنان، از لحاظ هر دو مؤلفه‌ی لباس و پوشش و بهداشت شخصی، در حد بسیار مطلوب ارزیابی گردیدند. از سوی دیگر، مؤلفه‌های شناخت مخاطبان، خلاقیت و انتقادپذیری، نسبت به سایر مؤلفه‌ها در سطح پایین‌تری قرار دارند. این معضل موجب جمود فکری در مجموعه‌ای می‌شود که ضرورت شکوفایی و باروری اندیشه، شاید بیش از هر مجموعه‌ای نیاز باشد.

در حوزه‌ی رفتاری، مؤلفه‌ی انتقادپذیری نامطلوب ارزیابی شد که از آفت‌های هر نظام و سازمانی محسوب می‌شود. در واقع یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های اجتماعی کشورهای توسعه نیافته، کمبود فرهنگ نقدهای سازنده و فرهنگ انتقادپذیری است. بنابراین، آنچه که بیش از هر چیزی می‌تواند جامعه را به سوی سالم‌تر شدن و پیشرفت سریع‌تر هدایت کند، گسترش فرهنگ انتقاد و نقدپذیری است. ما باید افراد جامعه را به سوی انتقادپذیری سوق دهیم.

نقد ابزار تعامل یک جامعه‌ی پویاست و می‌تواند پایه پیشرفت باشد. روشن که نقدپذیری به مراتب، ارزشمندتر از نقد است؛ زیرا این‌گونه بازخوردها، موجب می‌شود به روش‌های نو و کامل‌تری برای ارائه کارها و آثارمان برسیم. در دیدگاه اسلامی، نقدپذیری نوعی غریب‌ال رفتاری و اخلاقی است. از این‌رو، مشخص است که اگر خواهان پیشرفت و ترقی اجتماع خود هستیم، باید روحیه‌ی انتقادپذیری را در سطوح بالای آموزشی به وجود آوریم. همچنین، در دنیایی که به سرعت در حال تغییر و تحول است، خلاقیت فرایندی است که انسان را پویا و زنده نگه می‌دارد و قادر می‌سازد تا از امکانات پیرامون خود در جهت بقا و رشد استفاده کند.

در حوزه‌ی گفتاری، مؤلفه‌های پرهیز از خودستایی، خودپسندی و حب‌ثنا، اجتناب از سرزنش، استهزا و تحقیر،

رعایت احترام در به کارگیری تعابیر و نرمش کلام و فن بیان در حد مطلوب ارزیابی شد. در نهایت، رضایت بالای دانشجویان از وضع ظاهری استادان، بیانگر اهمیت دادن به این امر می‌باشد.

پیشنهادهاد

در این تحقیق، برخی ابعاد اخلاق حرفه‌ای، از کلام و سیره علامه

طباطبائی استخراج، مورد سنجش و تحلیل قرار گرفت.

به پژوهشگران بعدی توصیه می‌شود با جست‌وجو و تحقیق بیشتر در کلام و سیره علامه و سایر علمای بزرگ، سایر ابعاد اخلاق حرفه‌ای را استخراج و بررسی نمایند. به پژوهشگران عرصه تعلیم و تربیت، توصیه می‌شود، مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای را در سایر سازمان‌های آموزشی، بخصوص تربیت معلم بررسی نمایند. شاید در نقاط مختلف نتایج متفاوت باشد و راهکارهای متفاوتی طلب کند.

پیشنهاد می‌گردد دوره‌های ضمن خدمت، در

راستای دانش حرفه‌ای برای استادان تربیت معلم گذاشته شود و مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای مورد تأکید قرار گیرد. همچنین، تأکید می‌شود دوره‌های آموزشی داوطلبانه و یا ضمن خدمت خلاقیت، برای دست‌اندرکاران برگزار گردد. دوره‌های داوطلبانه ضمن خدمت روان‌شناسی رشد و ارتباطات انسانی، با محوریت مخاطب‌شناسی برای استادان، بخصوص غیر امور تربیتی برگزار گردد.

برای رفع نقص مؤلفه مهم انتقادپذیری، لازم است کرسی‌های آزاداندیشی و نقدپذیری، نمایشگاه‌ها، مسابقات و مجلات عکس، طنز، دل‌نوشته و ... با محوریت مشکلات موجود طراحی و استادان را درگیر این گونه امور فرهنگی برای رفع عیوب نماییم.

منشور اخلاق سازمانی، برای تربیت معلم با همکاری خود پرسنل طراحی و تنظیم گردد. این منشور باید در معرض دید کارکنان قرار گیرد و مرتباً آنان را دعوت به خودکنترلی نماید.

طرح مفهوم‌پردازی بر اساس نظرات علامه طباطبائی را به شرح فوق جهت منشور اخلاقی پیشنهاد می‌کنیم.



منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، هجرت.
- آراسته، حمیدرضا و همکاران، ۱۳۸۹، «دانشگاه‌های دولتی شهر تهران»، *راهبرد فرهنگ*، سال دوم و سوم، ش ۸ و ۹، ص ۲۰۳-۲۲۰.
- احمدی، محمدرضا، ۱۳۸۴، *نگاهی به وجدان کاری و فرهنگ سازمانی با رویکرد دینی*، تهران، زمزم هدایت.
- امید، مسعود، ۱۳۸۰، *نظری به زندگی و برخی آرا علامه طباطبائی*، تهران، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- امیدوار، امید، ۱۳۸۶، *اخلاق تدریس، سیدمحمد صفوی*، چ دوم، قم، نشر معارف.
- انجمن کتابداران قم، ۱۳۸۶، *اخلاق حرفه‌ای کتابداران و اطلاع‌رسانان*، علیرضا اسفندیاری مقدم، تهران، کتابدار.
- ایمانی‌پور، معصومه، ۱۳۹۱، «اصول اخلاق حرفه‌ای در آموزش»، *مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پژوهی*، دوره پنجم، ش ۶-۳۹، ص ۳۹-۲۶.
- پگاه حوزه، ۱۳۸۱، «علامه طباطبائی در عرصه حیات فردی»، ش ۳، www.hawzah.net.
- جمعی از دانشمندان، ۱۳۶۱، *یادنامه مفسر کبیر سیدمحمد طباطبائی*، قم، شفق.
- جوان‌شیر، کریم، ۱۳۷۵، *نامداران (زندگی‌نامه چهل تن از مشاهیر شیعه)*، تبریز، سالار.
- خبرگزاری شفقنا، ۱۳۹۴، www.shafagna.com.
- رشیدپور، مجید، ۱۳۸۰، *چگونه می‌توان تربیت کرد؟*، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- رضایی، مریم و فریده پیشوایی، ۱۳۸۳، «علامه عصر»، *گلبرگ*، ش ۵۶، ص ۸۱-۸۸.
- رهنمائی، سیداحمد، ۱۳۹۰، *آرا و اندیشه‌های تربیتی اندیشمندان مسلمان مکتب تربیتی علامه طباطبائی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- سیف، علی‌اکبر، ۱۳۹۳، *مجموعه مقالات و مصاحبه‌ها*، تهران، دورانی.
- شعبانی، حجت، ۱۳۹۳، «ده نکته از سبک تدریس علامه طباطبائی»، *معارف*، ش ۱۰۵، ص ۳۲-۳۴.
- شهبازی، مهدی، ۱۳۹۱، *مقدمه‌ای بر اخلاق در پژوهش*، تهران، نشر علوم ورزشی.
- شیرزاد، ساکار، ۱۳۹۱، «پوشش معلمان و زمینه‌های روان‌شناختی آن»، *رشد معلم*، ش ۲، ص ۳۸-۳۹.
- طاهری خسروشاهی، محمد، ۱۳۹۱، *مجموعه مقالات برگزیده کنگره بزرگداشت آیت‌الله سیدعلی آقا قاضی*، تبریز، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *ترجمه تفسیر المیزان*، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- _____، ۱۳۸۲، *اصول عقاید و دستوره‌های دینی جلد ۱*، اصغر اردتی، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبائی.
- علامه طهرانی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۰، *مهرتایان*، مشهد، باقرالعلوم.
- فرمبینی فراهانی، محسن و فاطمه اشرفی، ۱۳۹۳، «اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج البلاغه»، *پژوهش‌نامه علمی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، ش ۱، ص ۶۷-۸۶.
- فراهیدیان، رضا، ۱۳۸۵، *معلم محبوب، شرایط مقبول، مدرسه مطلوب*، قم، مسجد مقدس جمکران.
- قراملکی، احد فرامرز و همکاران، ۱۳۸۶، *اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- قراملکی، احد فرامرز، ۱۳۸۸، *درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای*، چ دوم، تهران، سرآمد.
- قراملکی، احدفرامرز، ۱۳۸۵، *اخلاق حرفه‌ای*، چ سوم، تهران، مجنون.
- مطلبی‌فرد، علیرضا و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی و شناسایی نشانگرهای حرفه‌ای و اخلاقی در آموزش و تدریس از نقطه نظر دانشجویان کارشناسی ارشد: کیفی یک مطالعه»، *اخلاق در علوم و فناوری*، سال ششم، ش ۴، ص ۹-۱.

نصراصفهانی، محمد، ۱۳۸۷، «مبانی اخلاقی علامه طباطبائی»، *اخلاق*، ش ۱۱، ص ۳۷-۱۱۲.

نوری، محمداسماعیل و جعفر وفا، ۱۳۷۰، *وظایف اخلاقی «استاد» و «شاگرد»*، قم، شکوری.

الهویسی، گه‌شین، ۱۳۹۰، «تأملی بر آرا و دیدگاه‌های اساتید دانشگاه کردستان»، اولین همایش بین‌المللی مدیریت، آینده‌نگری، کارآفرینی و صنعت در آموزش عالی، سنندج.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی